

هامون ایران

تارنمای جامعه مدنی جنوب ایران

از تفکر تقلیل گرا تا منطق فازی؛ درباره آمایش سرزمینی (مقاله از اسماعیل حسام مقدم)

اسماعیل حسام مقدم، Saturday, July 9th, 2016

از تفکر تقلیل گرا تا منطق فازی

تاملاتی درباره طرح آمایش سرزمینی استان بوشهر

اسماعیل حسام مقدم

نکته اول:

فقر بینش اجتماعی در استان بوشهر به دلیل عدم وجود یک نهاد فراگیر پایش اجتماعی در دانشگاه های استان بوشهر، همواره باعث شده که همه مطالعاتی که درباره این سرزمین انجام گیرد، بدون توجه به ساختارهای اجتماعی باشد. یکی از مهمترین منابعی که در طرح های آمایش سرزمینی موجود هست، وفور اطلاعات در حوزه ساختارها و نهادهای اجتماعی هست که عملاً من مطمئن هستم که به دلیل فقدان یک نهاد آکادمیک که به حوزه جامعه شناسی در این استان مسلط باشد، اطلاعات به روز و قابل توجهی در این حوزه در این مطالعات موجود نیست. به زعم نویسنده یکی از منابعی که باعث شده تا همواره استان بوشهر را به عنوان یک استان محروم قلمداد کنند، این نکته هست که ما عملاً هیچ تاریخچه ادبیات مفصل و گسترده ای در حوزه شناخت مردم نگارانه و جامعه شناسانه این سرزمین در دست نداریم، هرآنچه هست درباره گذشته و درباره صنعت در این استان هست. این بی توجهی به ساختارهای اجتماعی درون استان بوشهر، انگاره های ذهنی مردم این استان، نهادهای اجتماعی قدرتمند در این استان و ... باعث شده که با سرزمینی روبه رو باشیم که به طور علمی و عملی هیچ آشنایی با بستر اجتماعی توسعه در آن نداریم. و این بزرگترین آسیب و تهدیدی هست که همه مطالعات و برنامه ریزی های کلان توسعه را در این استان با محدودیت مواجه می کند. من می توانم با قاطعیت اعلام کنم که به دلیل اینکه همه چیز استان بوشهر را به صنعت و منابع زیرزمینی تقلیل داده ایم، همواره تمام طرح های مطالعات آمایش سرزمینی و یا برنامه ریزی های بلندمدت توسعه در ایران بی توجه از کنار بستر اجتماعی توسعه می گذرد و این تقلیل گرایی باعث شده که همواره پیامدها و نتایج این برنامه های توسعه، باعث شود که بسترهای و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی استان بوشهر با تهدید و آسیب روبه رو شود. فقط کافی هست که نگاهی جامعه شناسانه و آسیب شناسانه به منطقه عسویه بیاندازیم.

اسطوره مطالعات آمایش سرزمینی در استان بوشهر همواره مبتنی بر تقلیل همه چیز به صنعت همراه بوده است. نویسنده همه برنامه ریزان و سیاستگذاران را به توجه به این نکته هشدار می دهد که نتایج و پیامدهای اجتماعی برنامه ریزی های کلان تان، از هر نیروی کنترل کننده خارج می شود و چه بسا یک بی توجهی و اشتباه در خط مشی گذاری، پیامدهای اجتماعی ویرانگری را به همراه آورد.

نکته دوم:

همواره وقتی که درباره یک کالبد زنده و پویا مانند جامعه انسانی می‌خواهیم برنامه ریزی نماییم تا درها و دریچه‌های توسعه انسانی در آن گشوده شود، این نکته بسیار اهمیت دارد که ما داریم درباره یک ارگانیک زنده و پویا یا یک سیستم پیش رونده و هوشمند حرف می‌زنیم و برنامه ریزی می‌کنیم. آن چه که نویسنده در تمام برنامه‌های توسعه با نگرش‌های قالب بندی شده درک نموده این نکته هست که همه برنامه ریزان با جامعه و بستر اجتماعی به گونه‌ای برخورد کرده‌اند که انگار همیشه این جامعه منتظر می‌ماند تا آن‌ها برنامه‌های توسعه و رشد‌شان را ارائه و اجرا نمایند، اما غافل از اینکه دوره آن برنامه‌های بلندمدت و یا میان مدت گذشته است. تلاطم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در جهان به گونه‌ای فضای سیاستگذاری‌ها را دگرگون نموده که عملاً دیگر از برنامه بسته بندی شده و شیک چندساله عبور کرده و به برنامه‌های موردی و کوتاه مدت برای توسعه و هوشمند روی آورده است. این برنامه‌های کوتاه مدت براساس منطق فازی عمل می‌کنند و از منطق دودویی یا باینری خود را رهایی داده‌اند. در منطق فازی، برنامه‌هایی طراحی می‌شوند که نسبت به بازخوردهای محیط بسیار حساس و هوشمند هستند و هر تغییری را در بستر اجتماعی مورد نظر قرار می‌دهند و با آن تغییراتی را در خود به وجود می‌آورند. این انعطاف پذیری چنان با مقتضیات زمانی و مکانی همراه می‌شود که هر تغییر جزئی و نامحسوسی را نیز در برنامه ریزی مورد توجه قرار می‌دهد. منطق فازی برای سیستم‌های پیچیده مورد استفاده قرار می‌گیرد، به زعم نویسنده جامعه کنونی چه در استان بوشهر و چه در ایران و به خصوص در منطقه خاورمیانه بسیار پیچیدگی بالایی دارد و به همین دلیل هرگز نمی‌توان مبتنی بر همان اسطوره‌های منطق باینری (سیاه/سفیدی یا صفر/یک) خط مشی گذاری نمود.

اسطوره‌ای که چه بسا با تقلید از برنامه‌های مطالعاتی پیشین، همه چیز را به منطق باینری فرو می‌کاست، الان نیز به همراه مطالعات آمایش سرزمینی استان بوشهر به جلو آمده باشد. نویسنده این هشدار را به برنامه ریزان و سیاستگذاران کلان می‌دهد که عدم توجه به منطق فازی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بسیار جدی‌ای را برای استان بوشهر به طور خاص و ایران به طور عام به همراه دارد. برای اینکه از پیامدهای برنامه ریزی‌های آمرانه و از بالا طراحی شده مطلع شویم، کتاب موج دوم توسعه آمرانه (برنامه توسعه از سال ۲۵۳۱ تا ۴۵۳۱ شمسی) اثر سعید لیلان را معرفی می‌کنم.

نکته آخر:

انسان همواره با رویای توسعه و پیشرفت هم نفس و همنشین بوده است اما همین آرزو و آرمان همواره نیز بی‌توجه به محیط پیرامون و محیط زیست بوده است. منظور نویسنده از محیط زیست صرفاً جنگل و دریا و... نیست بلکه کلیت چیزی که در پیرامون انسان وجود دارد، این رویا برای زیست بهتر همین انسان هست اما با تاسف قاطع باید بگویم که اولین چیزی که در راه رسیدن به این رویا ذبح می‌شود، همین امر زیستی است. به زعم نویسنده بالاترین اولویت هر برنامه ریزی کلانی باید توجه به امر زیستی باشد، چه زیست انسان، چه زیست دیگر موجودات.

اسماعیل حسام مقدم؛ عضو پیوسته انجمن جامعه شناسی ایران و عضو هیئت مؤسس انجمن هامون ایران (NGO)

This entry was posted on Saturday, July 9th, 2016 at 11:43 am and is filed under [مقاله و یادداشت](#).

You can follow any responses to this entry through the [Comments \(RSS\)](#) feed. You can leave a response, or [trackback](#) from your own site.

